

تحقیقات نشان می دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

تایید توانایی جسمی ۹۵ درصد زائران برای اعزام به حج

رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر از تأیید توانایی جسمی ۷۷ هزار زائر (۹۵ درصد) از میان مجموع ۸۴ هزار زائر متقاضی برای اعزام به حج ۹۸ خبر داد. دکتر محمد تقی حلی ساز با اعلام انجام معاینات جسمی ۹۵ درصد زائران متقاضی اعزام به حج گفت: «معاینات ۶ هزار متقاضی باقیمانده نیز در دست انجام است.» او گفت: «از مایش غربالگری زائران نشان داده است که ۲۰ درصد مبتلا به فشار خون، ۱۲ درصد قند خون و ۴/۵ درصد مبتلا به بیماری‌های قلبی هستند، زائرانی که معاینات پزشکی آنها انجام شده است می توانند برای واکسیناسیون به پزشک خود مراجعه کنند.» رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت هلال احمر با اعلام اعزام نخستین گروه پزشکی هلال احمر به عربستان در ۱۳ تیر گفت: «برنامه ریزی لازم برای حفظ و تأمین سلامت زائران در حج ۹۸ انجام شده و با توجه به تجربیات سال‌های قبل و خرید ۸۵ درصد داروهای مورد نیاز حج مشکلی برای تأمین داروهای زائران وجود ندارد.»

یادداشت

زندگی به سبک داوطلبان هلال احمر

حسام‌الدین نراقی | اسال ۷۹ و در طی فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه محیط زیست وقتی با آلودگی‌های نفتی در خلیج فارس و رودخانه‌های غربی کشور و تلف شدن جوجه فلاینگوها در نمک به دلیل خشکسالی در یکی از تالاب‌ها و دریاچه‌های جنوبی کشور مواجه شدیم با دوستان مان تصمیم گرفتیم که گروهی را برای امداد به محیط زیست به نام امداد زمین تشکیل دهیم. خیلی پیگیری کردیم ولی به دلیل نبود شرایط فعالیت، اطلاعات کافی، برنامه ملی و استانی، نامشخص بودن متولی و برخی تنگ‌نظری‌ها در آن زمان کاری از پیش نبردیم و آن ایده متوقف شد ولی در همین ایام که مصادف بود با تشکیل جمعیت هلال احمر استان تهران و پس از آن تشکیل شعبه شمیرانات با دوستان امداد زمین همگی داوطلب هلال احمر شدیم و دوره کمک‌های اولیه را با مربیگری استاد جوان مان علی شادلو و حمایت نخستین مدیر عامل استان تهران حاج آقادهفتری و تسهیلاتی از سوی کهن خاکی و راهنمایی آقای دکتر حمیدرضا هفان آغاز کردیم. دیگر هلال احمری شده بودیم و به جرگه امدادگران جمعیت هلال احمر پیوسته بودیم. نخستین تجربه خدمت من در ایام سالگرد در حال امام خمینی (ره) در سال ۸۰ و اولین تجربه عملیاتی ما نیز امدادسانی مستقل در سیل مینودشت و کاله سال ۸۰ استان گلستان بود، پس از آن نیز زمین لرزه چنگره ۸۱ قزوین، اوج تجربه‌مان در زمین لرزه بم ۸۲ بود و پس از آن داستان زندگی من که کلا در وادی سوانح و حوادث رقم خورده است تا به امروز. در این مدت بخش بزرگی از تجربیات، تحصیلات، کار و پیشه، روش و مسیر و داستان زندگی ام با هویت من در جمعیت هلال احمر گره خورده است؛ اتصال جانشینی، حتی وقتی که در سال ۸۸ به استخدام جمعیت درآمد و کارمند سازمان امدادونجات شدم تا آخرین حوزه مسئولیتی ام در حوزه دبیر کل و استعفایم در سال ۹۷ دوباره داوطلب شدم و فعالیتیم در قالب داوطلب در سیل نوروز ۹۸.

وقتی این مسیر و دوران طی شده را مرور می‌کنم با خودم فکر می‌کنم عضویت و بودن و ماندن در جمعیت برای من و امثال من به نوعی سبک خاصی از زندگی شده است. ما فرصت داشتیم نسلی از استاد، اسطوره‌ها و پیشکسوتان هلال احمر را از نزدیک ببینیم و این آشنایی و حضور در کنار تجربه خدمت در سوانح باعث شد که تجربیاتی یگانه و خاص را کسب کنیم. این حضور مسئولیت سنگین تری را بر دوش من و همسران من گذاشته است تا که این مسیر را با نسل‌های بعدی داوطلبان بشردوست به اشتراک بگذاریم. باید فرصت‌هایی فراموش نشدنی و اثرگذار را برای نسل بعدی داوطلبان و امدادگران و نجاتگران جمعیت خلق کنیم؛ با آموزش و انتقال صحیح وقایع و تجربیات و درس‌هایی که آموختیم.

شخصاً با هدف امدادسانی به محیط زیست و فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه محیط زیست از جهان دوستی با به وادی بشردوستی گذاشتم و امروزه فکر می‌کنم که به سبکی و روشی خاص در زندگی و بودن رسیدم. سبک داوطلب‌بودن، داوطلب‌بودن برای خدمت، داوطلب‌بودن برای کمک به همه. این روزها خود را یک داوطلب در حوزه بشردوستی می‌دانم و این بشردوستی با هفت اصل نهضت شاید همه چیز را شامل شود. وقتی به اصول هفتگانه نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر نگاه می‌کنم، خوب‌بودن و مفیدبودن را بیشتر در می‌کنم. در جریان جنگ خلیج فارس برای فعال کردن چادرهای دریافت کمک‌های مردمی حاج آقا کسسانی فر، مسئول امداد وقت شعبه شمیرانات، به من بی‌طرفی و بی‌غرضی را آموخت و یادآور شد که در سست است تا در بروز با کشور عراق در جنگ بودیم ولی وقتی عضو داوطلب نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر شدی و لباس امدادگری و داوطلبی را بپوشی تن کردن نباید ملیت و مذهب و قومیت نیازمندان برایت مهم باشد؛ باید به همه خدمت کنی و برای انسانیت گام برداری.

جهانشمولی نهضت را در امدادسانی به همه جا و در هر شرایط و در زمان موج مهاجرت آوارگان میانمار به بنگلادش و حضور تیم‌های درمانی جمعیت همزمان با زمین لرزه ۹۶ استان کرمانشاه درک کردم، یعنی کمک به دیگران حتی زمانی که خودمان نیازمند کمک هستیم. استقلال و یگانگی جمعیت را در احترام دولت و جایگاه خاص و مورد وثوق جمعیت در سطح مقامات ملی و بین‌المللی دیدم. جمعیت ما عضو نشورای حکام فدراسیون است. پس ما شرایط و استانداردهای بین‌المللی را داریم. بشردوستی و خدمات داوطلبانه را در حضور احمد و محمد و مهرداد و مونا و سعید و امیر و ایمان و خیلی از دوستان داوطلب جمعیت و داوطلب مستقل یا داوطلب سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها و شاغل و دغدغه‌مند ولی همراه با جمعیت در طی امدادسانی به سیل نوروزی بارها و بارها در قامت و چهره و گفتار و کردار داوطلبان مختلف از استان‌های مختلف دیدم.

روایت لذت خلق لحظه‌های شادی آفرین در گفت و گو با دو عضو تیم سحر سازمان جوانان هلال احمر

خنده‌های کودکان‌ها که اندوه سیل شوستر را بی اثر کرد

همدلی لازمه کار در جمعیت هلال احمر است



جعفر پور: هر لحظه فعالیت در آن جا برایم خاطره است؛ برای مثال در منطقه شوستر با کودکی در ارتباط بودیم که خیلی با من ارتباط موثری گرفت و بعد از این که به استان برگشتم، متوجه شدم کودکی به نام محمد تقی عکسی از من در کنار خود گرفته است که با دیدن آن عکس تمام خاطرات برای من زنده شد و جالب تر این که من خودم نفهمیدم که کی این عکس از من گرفته شده بود.

مهراوران: بچه‌های تیم سحر با تجربه بودند و با علم و آگاهی و مهربانی با کودکان کاری می‌کردند. در تمامی لحظات تلاش ما برای برگرداندن آرامش خاطر آنهاست و حضور رئیس سازمان جوانان در کنار اعضا و کار کردن در کنار ایشان برایم خاطره انگیز شد.

کلام آخر:

جعفر پور: با جان و دل آماده‌ام برای ثبت لبخندی از جنس مهربانی و اگر دوباره نیاز باشد حاضر در منطقه خوزستان تا هر زمان که باشد حضور یابم.

مهراوران: در کنار زندگی مشترکی که آغاز کرده‌ام، رمز پیروزی ام را انجام خدمت داوطلبانه قرار داده‌ام و تا آخر در کنار هلال احمر می‌مانم.



بلافاصلو حمایت روانی وارد منطقه می‌شوند.

- فعالیت‌های انجام شده توسط تیم سحر استان فارس چگونه بوده است؟**

جعفر پور: سامانه حرکت بشر دوستانه هلال احمر استان فارس در منطقه شوش و شوستر فعالیت خود را در حالی آغاز کرده بود که برای ایجاد حمایت روانی پس از بلافا با رویکرد تمرکز بر کودکان در منطقه حضور یافته بود و تیم‌های سحر برنامه‌های روانشناسی خود را بر اساس تفکیک سنی انجام می‌دادند.

مهراوران: تیم سحر حاضر در استان خوزستان اعزامی از فارس بود. بیشتر تمرکز فعالیت‌های تیم سحر با محوریت کودکان است. برنامه‌های کتابخوانی و جنگ شادی، بازی گروهی و هدف‌دار و دیگر فعالیت‌هایی که کودکان را حتی برای یک ساعت هم از فضای پرتلاطمی که در آن هستند، دور کند، اجرا می‌شود.

- تیم‌های سحر استان فارس در چه مناطقی فعالیت می‌کنند؟**

مهراوران: تیم سحر استان فارس در منطقه شوستر وارد عمل شد و بر اساس نقشه‌های تخریب که از مناطق داشتیم و اطلاعاتی که از قبل در جلسات هماهنگی رد و بدل شده بود، نقاطی که بیشترین آسیب را دیده بود، مشخص کردیم، بنابراین اولویت رسیدگی و حضور را به این مناطق دادیم، اما در مرحله بعدی فعالیت تیم‌های سحر در تمامی شهرها و روستاهای سیل زده را پوشش می‌دهند.

- تأثیرات فعالیت‌های تیم‌های سحر را در مناطق شوستر به ترتیب به صورت بیشترین میزان خسارت وارده بر آن منطقه اعمال می‌کرد.**

جعفر پور: تیم سحر در اردوگاه‌های خدمات در منطقه شوستر را به ترتیب به صورت بیشترین میزان خسارت وارده بر آن منطقه اعمال می‌کرد.

- تأثیرات فعالیت‌های تیم‌های سحر را در مناطق حادثه دیده چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

جعفر پور: قطعاً حضور تیم‌های حمایت روانی پس از بلافا در کاهش آلام ایجاد شده خیلی مؤثر است و ما به چشم خودمان شادی را در چهره بچه‌ها دیدیم و احساسی که از حضور در کنار ما داشتند را با جان و دل درک می‌کردیم.

مهراوران: بنده و بیشتر افرادی که در تیم سحر استان فارس بودیم، جزو کسانی بودیم که برای دومین بار به عنوان تیم سحر در منطقه حضور داشتیم و مسلماً اعضای جوانان با تلاش مؤثر خود در تیم‌های سحر حضورشان را در منطقه توجیه می‌کنند.

- از تجربه حضور در استان خوزستان به عنوان تیم‌های سحر چه خاطراتی در ذهن دارید؟**

- فعالیت در تیمی که هدف آن ایجاد آرامش خاطر، کم کردن مسائل و مشکلات مردم حادثه دیده و کاستن فشارهای روانی حاصل از وقوع بلا یا سست کمی سخت تر از انجام سایر کمک‌رسانی‌هاست، چرا که لازمه انجام تمام این فعالیت‌ها همدلی با حادثه دیدگان و سیل زدگان است که سبب پیشبرد کار می‌شود**

مردمانی بودند که تنها دارای آن‌ها یک دست لباس بود.

- حضور و فعالیت تیم‌های سحر را در مناطق سیل زده چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

جعفر پور: لحظه ورود به منطقه سیل زده کمی سردرگم بودیم، ولی با مدیریت علمی مهندس تجلی، معاون امور جوانان هلال احمر فارس به عنوان سرپرست تیم اعزامی و حضور دلگرم کننده ایشان در کنار بچه‌ها کار برای ما آسان تر شد. تجربیات گرانبه‌ای تیم حمایت روانی در بلافا (سحر) در منطقه شوستر باعث شد که در کنار هم، لبخند شادی آفرینی در خاطر کودکان سیل زده حک کنیم.

- وضعیت تیم‌های سحر در استان خوزستان در روزهای پس از سیل چگونه است؟**

جعفر پور: تیم‌های سحر با حضور در مناطق مختلف سیل زده، از تمام ظرفیت‌های علمی و عملی خود برای ایجاد آرامش در منطقه استفاده کرده‌اند. اعضای آموزش دیده و باتجربه که از زلزله کرمانشاه در کنار اعضای جدید بودند، تلاش کردند.

مهراوران: تیم‌های سحر افراد آموزش دیده‌ای هستند که به عنوان مربی و تسهیل‌گر فعالیت می‌کنند. این افراد با حضور در مناطق آسیب دیده سعی می‌کنند از اثرات روانی حادثه در افکار و آذهن مردم و به ویژه کودکان بکاهند. تیم سحر استان فارس هم با حضور چندین کارشناس خبره در حوزه روانشناسی در زمینه حمایت روانی و با توانمندی معاون امور جوانان به عنوان سرپرست تیم در منطقه، فعالیت‌های اثر بخشی داشته است. در ادامه هم تمامی تیم‌های حاضر را رویکرد ایجاد آرامش پس از

حسن ابدان افس از وقوع حادثه‌های تلخ مثل سیل که با خیل عظیمی از خسارات مادی و معنوی همراه است، حضور تیم‌های حمایت روانی و اجتماعی (سحر) جمعیت هلال احمر در مناطق سیل زده می‌تواند کمی از درد و رنج حاصل از حوادث بکاهد. خدمت داوطلبانه جوانان هلال احمر استان فارس در تیم سحر که نشانی از مهرورزی و تأکید بر اصل بشر دوستانه بودن فعالیت‌های جوانان در سیل خوزستان است، بهانه‌ای شاد تا با دو نفر از آنها که به قولی با چهره مهربانشان خالق آرامشی از جنس مهربانی بودند، گفت‌وگویی کوتاه داشته باشیم. سامان جعفر پور و علی مهراوران هر دو عضو فعال جمعیت هلال احمر استان فارس هستند و به ترتیب به عنوان دبیران کانون‌های جوانان در شهرستان‌های استهبان و نیریز در مرکز استان فارس با جمعیت هلال احمر همکاری دارند. این دو جوان در قالب تیم سحر به منطقه شوستر استان خوزستان اعزام شده‌اند. خواندن این گفت‌وگو خالی از لطف نیست، چرا که شاید بتوان گفت در صحبت‌های این جوانان فعال در جمعیت هلال احمر شاهد معنی کردن سخنی‌ها به نحوی دیگر هستیم و هر کدام جانی تازه به کلمات می‌بخشند.

- هر یک از شما دو نفر از چه موقع شروع به فعالیت‌های داوطلبانه در هلال احمر کرده‌اید؟**

جعفر پور: بنده سامان جعفر پور از سال ۱۳۹۲ به عنوان عضو جوان وارد جمعیت هلال احمر شدم و تاکنون با گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی نجاتگر دوم جمعیت هلال احمر شهرستان استهبان هستم. عضو تیم سحر در منطقه کرمانشاه بودم که از آن می‌توان به عنوان اولین تجربه کاری پس از بلافا یاد کرد و در کمک به هموطنان سیل زده استان خوزستان نیز مشارکت داشتم.

- مهراوران:** من علی مهراوران از سال ۱۳۹۰ در دانشگاه دولتی جهرم به عنوان دبیر دانشجویی به طور رسمی وارد هلال احمر شدم و چندین بار در قسمت‌های مختلف فعالیت کرده‌ام. دبیر کانون دانشجویی، سر تیم طرح نوری و مربی کمک‌های اولیه بودم، همچنین عنوان جوان برتر را از سازمان جوانان دریافت کرده‌ام و تنها به این بسنده نمی‌کنم که افتخار فعالیت داوطلبی را چندین سال است که در سازمان جوانان و شهرستان نیریز دارم.

- هدف شما از فعالیت‌های داوطلبانه در جمعیت هلال احمر چیست؟ حضور در مناطق سیل زده برای شما دو نفر چه حسی داشت؟**

جعفر پور: فعالیت‌های داوطلبانه برای تخلیه نیاز هر انسانی که میل به عبودیت دارد، لازم است و کمک‌رسانی به مردم گرفتار، انسان را از نظر روحی در وضع مناسبی قرار می‌دهد و به زندگی رنگ خوبی می‌بخشد. پس از وقوع سیل به عنوان تیم سحر در این مناطق حضور یافتیم. فعالیت در تیمی که هدف آن ایجاد آرامش خاطر، کم کردن مسائل و مشکلات مردم حادثه دیده و کاستن فشارهای روانی حاصل از وقوع بلا یا سست کمی سخت تر از انجام سایر کمک‌رسانی‌هاست، چرا که لازمه انجام تمام این فعالیت‌ها همدلی با حادثه دیدگان و سیل زدگان است که سبب پیشبرد کار می‌شود.

مهراوران: تلاش برای تسکین آلام بشری، شعاری بوده و هست که من را پایبند به جمعیت هلال احمر کرده است و فعالیت‌هایم را با عشق ادامه می‌دهم. سیل واقعه مخرب سال ۹۸ بود که در کشور عزیزمان ایران اتفاق افتاد. با حضور در مناطق آسیب دیده به خوبی توانستیم عمق فاجعه را درک کنیم.